

به نام خداوند جان و خرد



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دکتر علی شریعتی
پایان نامه دکتری
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

کردارشناسی گرشاسپ در اساطیر و حماسه های ملی ایران

استاد راهنما:

دکتر مه دخت پورخالقی چترودی

استادان مشاور:

دکتر محمد رضا راشد محصل

دکتر نقیب نقوی

دانشجو:

حمید طبسی

این رساله در قطب علمی فردوسی شناسی و ادبیات خراسان تهیه شده است

شهریور 1390

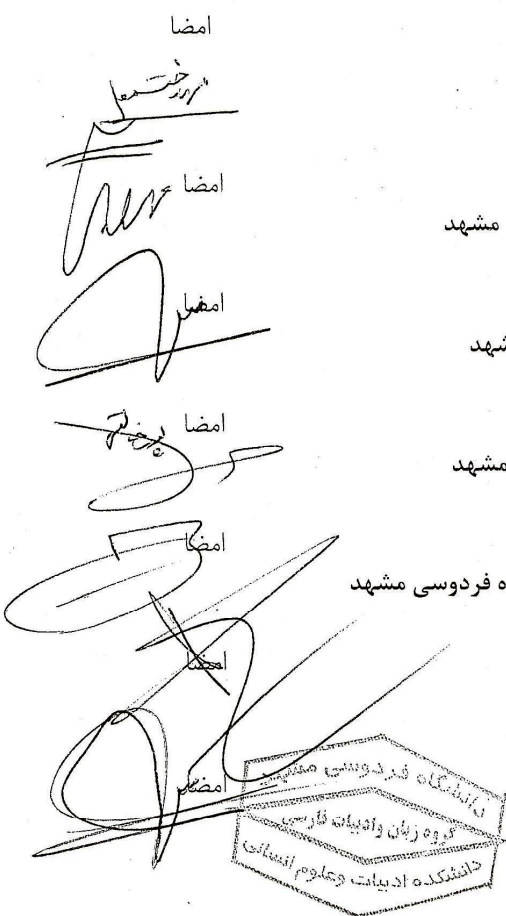


صور تجلسه دفاع از رساله دکتری

جلسه دفاع از رساله آقای حمید طبسی دانشجوی دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۳۹۰/۶/۲۹ در محل دانشکده ادبیات و علوم انسانی با حضور امضاکنندگان زیر تشکیل گردید. پس از بررسی های لازم، هیأت داوران رساله نامبرده را با نمره به عدد ۲۰ به حروف بیست و با درجه بسیار خوب مورد تأیید قرار داد.

عنوان رساله

کردار شناسی گرشاسپ در اساطیر و حماسه‌های ملی ایران



- امضا
- هیئت داوران
- داور مدعو رساله: دکتر مه‌دخت معین
 - داور رساله: دکتر فرزاد قائمی
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
 - نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر محمود فتوحی
استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
 - استاد راهنما: دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
 - استاد مشاور: دکتر نقیب نقوی
استادیار بازنشسته گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
 - استاد مشاور: دکتر محمدرضا راشد محصل
استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد
 - مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی
دکتر محمود فتوحی

اعلام حقوق چاپ و تکثیر:

کلیه حقوق این اثر مربوط به دانشگاه فردوسی مشهد بوده و هر گونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی

دارد.

سپاس گزاری:

سپاس فراوان دارم از استاد نیک اندیش و دانشورم بانو دکتر مه دخت پورخالقی چترودی که با راهنماییهای عالمانه و نکته بینانه خود راه را برای جستن دانش بیشتر و کاوش نتیجه مندتر بر بنده هموار فرمودند. اعتراف می کنم که رشته مودتی که قلب مرا به روح پر عطوفت و جان بلند ایشان متصل می کند منحصر به مناسبات استادی و دانشجویی نیست ، خلق خوش و مرام انسانی ایشان خانه دل این کمینه کس را آکنده است. گویی که بهترین یادگار از این پژوهش برای من همین هاست.

سرتعظیم فرود می آورم در برابر استاد فرزانه ام دکتر محمدرضا راشد محصل ، این بزرگ معلم اخلاق و آزادگی که شیفتگی به فرهنگ پر مایه و دیرینه ایران عزیز را مدیون ایشانم.

و نیز حسن عنایت و بذل دقت استاد پرمایه و گرانقدرم جناب آقای دکتر نقیب نقوی را ارج می نهم که با گشاده جانی و گشاده رویی پذیرایم بودند و مرا از خوان دل و دانششان بی بهره نگذاردند.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم چکیده پایان نامه به زبان فارسی

نام خانوادگی دانشجو: طبسی نام: حمید

استاد راهنما: دکتر مه دخت پورخالقی چترودی استادان مشاور: دکتر محمدرضا راشد محصل

دکتر نقیب نقوی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: — مقطع: دکتری

تاریخ دفاع: 1390 / 6 / 29 تعداد صفحات: 232

عنوان پایان نامه: کردارشناسی گرشاسپ در اساطیر و حماسه های ملی ایران

کلید واژه ها: گرشاسپ، اسطوره، اوستا، متون پهلوی، کردارشناسی، متون تاریخی، حماسه های ملی ایران.

چکیده

هدف از نگارش این رساله شناخت گرشاسپ و تحلیل کردارهای آیینی و پهلوانی او در ادبیات گاهانی و متون دینی و سنتی مزدیسنان، متون تاریخی کهن و حماسه های ملی ایران بوده است. راه نیافتن برخی کردارهای او از اوستا به ادبیات دوره اسلامی ایران، تبدیل گرشاسپ اساطیری به بدل حماسی اش یعنی سام در شاهنامه، غفلت ورزیدن بیشتر سرایندهگان حماسه های ملی پس از شاهنامه از اسطوره گرشاسپ، روایت اساطیری خشکی ستیزی گرشاسپ در متون پهلوی، پادشاهی یا پهلوانی گرشاسپ در قلمرو اسطوره و حماسه، و نقش متون تاریخی کهن در تبیین و تحلیل اسطوره گرشاسپ از عمده ترین مقوله هایی به شمار می آیند که در این نوشتار با نگاهی تحلیلی به آنها پرداخته شده است. در حقیقت، با ترسیم سیمای روشنی از گرشاسپ - به عنوان یک ابرپهلوان ایرانی - سعی در تبیین این نکته داشت 0647 ایم که اگر فردوسی به روایت اسطوره رشادتها و پهلوانیهای وی می پرداخت، بدون تردید اینک او برجسته ترین همزاد حماسی رستم در حماسه ملی ایران به شمار می آمد.

استاد راهنما

راهنمای نشانه های آوانگاری (Phonetic) و علایم اختصاری

L/ل	ā/آ: الف مدّار و کشیده
m/م	a/ا: الف بی مدّ یا حرکت همزه
n/ن	e/إ: حرکت کسره
v/و	ē/إ: کسره با کشش صوت
y/ی	o/أ: همزه مضموم
زبان سانسکریت. skt.	ō/أ: همزه مضموم و کشیده
زبان اوستایی. AV.	او/ou=u: همزه مضموم با کشش متوسط
زبان فارسی باستان. OP.	او/ū: او و به صورت اشباعی
زبان پهلوی/فارسی میانه. MP.	او/ow: مصوّت شوا یا بی رنگ (+و)
زبان فارسی نو. NP.	ای/i: صوت زیر
صفحه p.	ای/ī: با صدای کشیده
صفحات pp.	ب/b
همان (مؤلف / کتاب). ibid.	پ/p
جلد Vol.	ت، ط/t
جلد/دفتر ج	ث/θ
صفحه ص	ج/ǰ
صفحات صص	چ/č
هجری قمری هـق	ح، ه/h
میلادی .م	خ/X
ظاهراً ظ:	د/d
نگاه کنید به نک:	ذ، ز، ض، ظ/z
مقایسه شود با قس.	ر/r
رجوع کنید به رک:	ژ/ž
	س، ص/s
	ش/š
	ع/a
	غ، ق/ǧ
	ف/f
	ک/k
	گ/g

فهرست مطالب

13	پیش گفتار
15	مقدمه
23-108	گفتار نخست : شناخت نامه گرشاسپ از اسطوره تا تاریخ
24	پیش درآمد
27	فصل اوّل : گرشاسپ در اوستا
27	گرشاسپ در اوستای گاهانی
28	گرشاسپ در اوستای متأخر
29	الف - نام ، صفات و تبارنامه گرشاسپ
35	ب - کردارهای پهلوانی و آیینی گرشاسپ
36	1- کشتن ازدهای شاخدار
39	2- کشتن گندروی زرین پاشنه
41	3- نبرد با راهزنان
41	4- کشتن هیتاسپ زرین تاج
42	5- کشتن سناویدک
43	6- کشتن گروهی از دشمنان
44	7- پری کامگی گرشاسپ
48	8- گرشاسپ در آستانه رستاخیز
49	ج - فرجام زندگی گرشاسپ

51	فصل دوم : گرشاسپ در متون پهلوی
53	الف - نام ، صفات و تبارنامه گرشاسپ
55	ب- کردارهای پهلوانی و آیینی گرشاسپ
59	1- کشتن ازدهای شاخدار
64	2- کشتن گندروی زرین پاشنه
68	3- نبرد با راهزنان
70	4- گرشاسپ و ایزد وای
73	5- جدال با پرنده کَمک
76	6- کشتن گروهی از دشمنان
77	7- گرشاسپ و پری کامگی
80	8- گرشاسپ در آستانه رستاخیز
82	ج - فرجام زندگی گرشاسپ
83	فصل سوم : گرشاسپ در متون تاریخی کهن
85	الف - نام ، صفات و تبارنامه گرشاسپ
96	ب - کردارهای پهلوانی و آیینی گرشاسپ
96	1- گرشاسپ : پادشاه یا پهلوان ؟
100	2- ازدها کشی گرشاسپ
103	3- بنا کردن سیستان و معبدجای کرکوی
107	4- کشتن گروهی از دشمنان
109-187	گفتار دوم : گرشاسپ در حماسه های ملی ایران
111	پیش درآمد
113	فصل اوّل : شاهنامه و گرشاسپ

- 117 الف - نام ، صفات و تبارنامه گرشاسپ
- 119 ب- کردارهای پهلوانی و آیینی گرشاسپ
- 120 1- گرشاسپ : پادشاه یا پهلوان ؟
- 125 2- ازدها کشی گرشاسپ / سام
- 128 3- دیواوژنی گرشاسپ / سام
- 129 ج- فرجام زندگی گرشاسپ
- 130 فصل دوم : گرشاسپ در گرشاسپ نامه
- 134 الف- نام، صفات و تبارنامه گرشاسپ
- 139 ب- کردارهای پهلوانی و آیینی گرشاسپ
- 140 1- گرشاسپ: پادشاه یا پهلوان؟
- 142 2- ازدها کشی گرشاسپ
- 144 3- دیواوژنی گرشاسپ
- 146 4- نبرد با راهزنان
- 147 5- کشش گروهی از دشمنان
- 147 6- بنا کردن سیستان
- 149 7- گرشاسپ و ضحاک
- 156 ج- فرجام زندگی گرشاسپ
- 160 فصل سوم- گرشاسپ در سایر حماسه های ملی
- 162 الف- نام، صفات و تبارنامه گرشاسپ
- 170 ب- کردارهای پهلوانی و آیینی گرشاسپ
- 171 1- ازدها کشی گرشاسپ/دیگر پهلوانان سیستان
- 178 2- دیواوژنی گرشاسپ/دیگر پهلوانان سیستان
- 182 3- جدال با پرنده کَمَک

183	4- بنا کردن سیستان
184	5- گرشاسپ و پری کامگی
185	ج- فرجام زندگی گرشاسپ
188	پی نوشتها
208	نتیجه گیری
212	فهرستها
213	اسامی خاص
218	کتابها و مقاله‌ها
221	منابع و مأخذ

ز کردار گرشاسپ اندر جهان

یکی نامه بد یادگار از مهان

(اسدی توسی)

پیش گفتار

کردار شناسی گرشاسپ در اساطیر و حماسه های ملی ایران نگاهی مستند و تحلیلی به تبارنامه و کردارهای پر راز و رمز و شگفت یکی از قهرمانان اساطیری قوم ایرانی است که نه تنها در کتب دینی مزدیسنان - بویژه *اوستا* - از او سخن رفته است، بلکه در منظومه های حماسی هندوان نظیر *رامایانا* و *مهابهاراتا* نیز به عنوان یلی سترگ ستوده شده و حضوری نسبتاً پر فروغ دارد. این بدان معنی تواند بود که اسطوره گرشاسپ قدمتی به درازنای عمر اقوام هندوایرانی دارد که در گذشته های دور در کناره رودخانه سند در کنار هم می زیسته اند.

مطابق معتقدات ایرانی، گرشاسپ در آغاز و انجام آفرینش رسالتی ویژه دارد؛ او در نخستین حضور خود در یسنا، اژدری موسوم به سرور (*Av. Sravara*) را می کشد که از تبار اهریمن بوده و به دام و دهشن اهورایی زیان می رسانیده است. در فرجام جهان نیز قرار است اژدری دیگر موسوم به اژی دهاک یا ضحاک را از میان بردارد تا بدین وسیله شر و پلیدی و پتیارگی برای همیشه از جامعه انسانی رخت بر بندد.

مراد از کردارشناسی - که در این پژوهش معادل *Actanalysis* در زبان انگلیسی به کار رفته است - شناخت دقیق و همه جانبه گونه گونی ها و تغییراتی است که این شخصیت اسطوره ای در ورودش به ساحت حماسه و روایات پهلوانی دستخوش آن گردیده است. در مبحث کردارشناسی گرشاسپ کنشها و کردارهای این پهلوان را از *اوستا* - کهنترین اثر مدون قوم ایرانی که از او نام برده - تا حماسه های ملی متأخر دوره اسلامی ایران بررسی کرده و سیر تطور و تحوّل هر کردار او را به دقت و وضوح نمایان ساخته ایم.

به دلیل تغییراتی که با گذشت زمان در نگرش فکری و فرهنگی نیاکانمان پدید آمده است حالات خارق العاده و فوق بشری بسیاری از پهلوانان ملی و میهنی در گذار از دنیای اساطیری به دوران حماسی و پهلوانی رنگ باخته و افول چشمگیری داشته است. حقیقت آن است که این پهلوانان با ارائه هستی خاکی و

گیتیان‌ها از خود، خردپذیرتر شده و از منظر کردارشناسی با مردمان مشابهت بیشتر یافته‌اند؛ چنان‌که مشی و منش آنان برای مردم قابل فهم‌تر گردیده و آنان را از ساحت اسطوره‌ای باورناپذیر به هیأت پهلوانی خردپذیر درآورده است.

نمودار گذار گرشاسپ از اسطوره به حماسه و تغییر ساختاری و بنیادی او از قالب یک هستی اسطوره‌ای به جنبه‌های زمینی با مشی گیتیان‌ها، در نتیجه مطالعه و تدقیق در *اوستا* و پس از آن متون پهلوی و نوشته‌های متأخر زرتشتی، متون تاریخی و حماسه‌های ملی قابل تجسم و ترسیم است.

در این کندوکاو مشخص می‌شود که کدام کردارها از اسطوره تا حماسه ادامه حیات داده و کدامها در ساحات رازناک اساطیر مانده و به ادوار بعد منتقل نشده‌اند؛ مثلاً ازدهاکشی گرشاسپ یکی از کردارهای آیینی و پهلوانی اوست که در ادوار مختلف سیر این پهلوان با صور و تجلیات گونه‌گون و بعضاً ناهمگون به چشم می‌آید. حال آن‌که برخی دیگر از کردارها و کنشهای او نظیر جدال با دیویسنانی چون هیتاسپ زرین تاج - که برادرش اورواخشیه را کشته - و کشتن دیوی موسوم به سناویذک از اسطوره به حماسه و تاریخ راه نیافته‌اند.

کردارهای گرشاسپ در یک نگاه کلی قابل تقسیم به دو دسته کردارهای پهلوانی و کردارهای آیینی هستند. برخی کردارها نیز هستند که پیشینه اساطیری ندارند و در ادبیات دوره اسلامی ایران شکل یافته‌اند؛ نظیر بنای سیستان به دست گرشاسپ که هم در متون تاریخی کهن و هم در برخی حماسه‌های ملی از آن سخن رفته است. با چنین رویکردی رفتار و کردار گرشاسپ از *اوستا* و دیگر متون عمدتاً دینی زرتشتی تا کتب تاریخی کهن و حماسه‌های ملی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است.

در این نوشتار در پی آن هستیم که اولاً تبیین تبارنامه گرشاسپ در متون دینی، تاریخی و حماسی کهن و بیان مفارقتها و مشابهتهای موجود در آنها هویت مشخصی از وی ارائه کنیم و ثانیاً با برشمردن و تحلیل مهمترین کردارهای آیینی و پهلوانی بدلهای حماسی وی در حماسه‌های ملی ایران سیر انتقال هر یک از این کردارها از اسطوره به حماسه و تاریخ را نشان دهیم.

یکی از نکاتی که همواره مورد توجه بوده این است که هر چند برخی نویسندگان متون پهلوی که اغلب از طبقه موبدان بوده و روایات اساطیری پدید آمده در شرق ایران - تا پیش از دین آوری زرتشت - را خوش نمی‌داشته‌اند سیمای گناهکارانه‌ای از گرشاسپ ترسیم کرده‌اند، در این پژوهش سعی در تبیین این موضوع داشته‌ایم که نیک بختانه در ادبیات دوره اسلامی ایران اندکی از این قضاوت و نگاه کین‌توزانه

به وی کاسته شده و در مواردی چند به عنوان نیای نامدار و اژدرکش پهلوانان خاندان سام ستوده شده است؛ بویژه در منظومه گرشاسپ نامه که شاید اگر اهتمام جدی و بذل توجه اسدی توسی نمی‌بود، اینک در حماسه های ملی ما از آن قهرمان بی بدیل *اوستا* تنها نامی بر جای مانده بود.

از تأمل در بخش اساطیری متون تاریخی کهن که اغلب آنها متأثر از *خدای نامه* تدوین شده در اواخر دوره ساسانیان بوده اند نیز غفلت نوزیده ایم و بعضاً توانسته ایم از خلال این آثار برخی اطلاعات سودمند اساطیری پیرامون گرشاسپ به دست آوریم که می تواند در حل بعضی دشواریهای موجود در متون حماسی یاریگر پژوهندگان باشد.

امید که این شناخت نامه بتواند غبار فراموشی را که از سالیان دیر و دور بر چهره گرشاسپ نشسته بزدايد و با همین بضاعت علمی و در حدّ توان، خلأ حضور پرفروغ او را در قلمرو حماسه ملی ایران پر کند.

حمید طبسی

تابستان 1390 خورشیدی

مقدمه

گرشاسپ از اساطیری‌ترین چهره‌های حماسه‌های ملی ایران است. زندگی او در دنیای رازناک اساطیر - که نخست بار در *اوستا* ضبط گردیده - پس از پیمودن فراز و فرودی چند به قلمرو حماسه پیوسته است. بنابراین وجود گرشاسپ در حماسه ملی ایران، مبتنی بر یک هویت اساطیری و مینوی هم هست؛ هویتی که البته با بهره‌مندی از ذائقه شعری و قوه تخیل حماسه سرایانی چون فردوسی و اسدی از آفرینشی نو برخوردار شده است.

چنان که پیداست گرشاسپ از روزگار *اوستا* تا دوران تدوین متون تاریخی کهن و حماسه‌های ملی ایران مسیری دراز آهنگ را پیموده است. اژدهاکشی و دیواوژنی و دیگر کردارهای این پهلوان بی‌همال اساطیر کهن ایرانی که در *اوستا* نقشی همسنگ و همپایه نقش رستم در *شاهنامه* دارد، بخش مهمی از مضامین پهلوانی مندرج در *اوستا* را تشکیل می‌دهد اما با ورود به قلمرو متون ادب پهلوی به دلیل اتهاماتی نظیر پیوستن به یک پری اهریمنی و نیز اهانت به آتش مقدس و خوارداشت آیین مزدیسنا بخشی از فر و فروغ اساطیری خود را از دست داده و حضورش در فرهنگ و ادبیات ایران عهد اسلامی نیز بنا به عللی که در سرآغاز گفتار «شاهنامه و گرشاسپ» برشمرده‌ایم (نک: صص، 116-113) در اغلب متون تاریخی و حماسه‌های ملی - جز *گرشاسپ‌نامه* - رنگ باخته است.

1- بیان مسأله و هدف تحقیق

هدف این پژوهش توضیح و تبیین کردارشناسی گرشاسپ از اسطوره تا حماسه و تاریخ و نیز تحلیل شخصیت و کنشهای پهلوانی او به عنوان یکی از اثرگذارترین ناموران اساطیر ملی و میهنی قوم ایرانی در *اوستا* و متون برجای مانده از ادب پهلوی و نوشته‌های متأخر زرتشتی است. به دنبال آن، سعی مان بر این بوده است که با کاویدن این موضوع در *شاهنامه* و *گرشاسپ‌نامه* و سایر حماسه‌های ملی و نیز مشخص

کردن وجوه اشتراک و افتراق این آثار، سیمای روشن تری از گرشاسپ در قلمرو فرهنگ و ادبیات ایران ترسیم کنیم.

2- اهمیت موضوع

بدیهی است که هر چه دانش و اطلاعات مستند اساطیری ما افزونتر باشد و با گذشته اسطوره‌ای خود آشنا تر باشیم بیشتر و بهتر می‌توانیم به راز و رمزهای نهفته در بسیاری از متون ادبی دوره اسلامی ایران بویژه منظومه‌های حماسی پی‌ببریم. تجزیه و تحلیل کردارهای یک پهلوان در متون حماسی زمانی میسر است که از پیشینه اساطیری او آگاه باشیم. گرشاسپ در حقیقت یک پهلوان دینی در *اوستاست* که ناقل سرگذشتی قدسی و مینوی در نخستین اشکال کهن زندگی حقیقی است. او از بزرگترین و برجسته‌ترین پهلوانان حماسی باستان به شمار می‌آید که مهمترین رسالت آیینی‌اش از میان برداشتن ضحاک اژدهافش در پایان جهان است. به روایت *اوستا* در حقیقت این اوست که سرانجام پلیدی و پتیارگی را از صفحه روزگار محو می‌گرداند. گذشته از این، گرشاسپ پهلوان بی‌همتای *اوستاست* و نقش او در این کتاب چنان برجسته و ممتاز است که شاید اگر *شاهنامه* با محوریت رستم شکل نمی‌گرفت امروز گرشاسپ - همچنان که در *اوستا* پهلوانی بی‌نظیر است - یل بی‌همتای حماسه ملی ایران بود. به گمان ما مهمترین دلیلی که موجب شده است اسدی در *سرآغاز گرشاسپ‌نامه* پهلوان بی‌همال و شکست‌ناپذیر منظومه‌اش را برتر از رستم بداند و عمده‌ترین انگیزه خود را نیز از به نظم درآوردن اسطوره گرشاسپ یاد نآوردن فردوسی از آن ذکر کند، نگرانی و بیمناکی او از به فراموشی سپرده شدن پهلوانی سترگ است که بی‌گمان محوری‌ترین نقش را در شکل‌گیری روایات پهلوانی خاندان سام داشته است. بنابراین ناگفته پیداست که هر تلاشی برای شناختن و شناساندن هر چه بیشتر یلی چون گرشاسپ سودمند تواند بود.

3- متون بنیادی پژوهش

بنیادی‌ترین متون مورد استفاده در این پژوهش را که براساس آنها به تحلیل و بررسی کردارها و پدیده‌های رفتاری گرشاسپ پرداخته‌ایم می‌توان در سه گروه متفاوت طبقه‌بندی کرد:

الف - متون اساطیری

1- *اوستا*: سه بخش از بخشهای پنجگانه این کتاب یعنی *یسنا*، *یشتها* و *وندیداد* که در بردارنده

نخستین یادکرد گرشاسپ در متون باستانی ایران هستند.

2- متون پهلوی: دینکرد (بویژه کتابهای هفتم و نهم)، بندهش، مینوی خرد، گزیده‌های زادسپرم،

دست‌نویس م. 29، روایت پهلوی و زندبهن‌یسن.

3- نوشته‌های متأخر زرتشتی: نظیر سد در نشر و سد در نظم بندهش.

ب - متون تاریخی

تعدادی از متون تاریخی کهن که به دلیل بهره‌وری مؤلفان آنها از اصل پهلوی یا ترجمه عربی خدای‌نامه حاوی مطالب اساطیری مغتنمی پیرامون اسطوره گرشاسپ هستند؛ متونی نظیر تاریخ طبری، سنی‌ملوک الارض و الانبیاء (تاریخ پیامبران و شاهان)، تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان، غرالسیر، تاریخ طبرستان و مجمل‌التواریخ والقصص.

ج - متون حماسی

علاوه بر شاهنامه و گرشاسپ‌نامه، سایر منظومه‌های حماسی بویژه بهمن‌نامه، فرامرزنامه و سام‌نامه که مطالبی درباره گرشاسپ داشته‌اند.

4- پیشینه تحقیق

تاکنون با رویکرد کردارشناسی به گونه‌ای جامع و درخور به گرشاسپ پرداخته نشده و نیز تحقیقی همه جانبه پیرامون تبارنامه وی صورت نگرفته است. جدای از نوشته‌ها و مطالبی که غالباً تألیفی مستقل نبوده و به صورت پراکنده در کتابها و مقالاتی که در ذیل بدانها اشاره خواهد شد دیده می‌شود، این نوشتار نخستین طرح جامع و گسترده‌ای است که با این رویکرد خاص و از نظرگاهی ویژه تدوین شده است. با توجه به این که مشخصات کامل هر یک از کتب و مقالاتی که از آنها نام برده می‌شود در فهرست منابع و مآخذ آمده است در این جا به ذکر نام آثار و نویسندگان آنها اکتفا می‌کنیم.

الف - گرشاسپ در اساطیر

1- وست (west) خاورشناس فقید انگلیسی با ترجمه کتاب نهم دینکرد در سال 1897 میلادی باب

تحقیق درباره گرشاسپ را به روی شرق‌شناسان گشود زیرا بخشی از سوتگرنسک (یکی از نسکهای مفقود شده اوستا) که در بردارنده مطالبی پیرامون اسطوره گرشاسپ بوده در کتاب نهم دینکرد حفظ شده و با چاپ آن، اسطوره گرشاسپ مورد توجه قرار گرفت.

- 2- «کیانیان» و «مزدآپرستی در ایران قدیم»، تألیف آرتور کریستن سن.
 - 3- «دینهای ایران باستان» و «افسانه گرشاسپ»، تألیف ساموئل نیبرگ.
 - 4- گفتار «گرشاسپ» در تعلیقات ابراهیم پورداوود بر یشتها (جلد اول) که شاید نخستین پژوهش علمی درباره اسطوره گرشاسپ در زبان فارسی باشد.
 - 5- مزدیسنا و ادب پارسی (جلد دوم)، تألیف محمد معین.
 - 6- مقالات «گرز نیای رستم»، «پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه ایران» و «سلاح مخصوص پهلوانان در روایات حماسی هند و اروپایی» به قلم بهمن سرکاراتی که در کتاب سایه‌های شکار شده به چاپ رسیده است.
 - 7- فرهنگ نامهای اوستا (جلد دوم)، تألیف هاشم رضی.
 - 8- گرشاسپ در بویه ادب فارسی، تألیف مصطفی ندیم.
 - 9- «از اسطوره تا تاریخ» و «پژوهشی در اساطیر ایران»، تألیف مهرداد بهار.
 - 10- مقاله «روان گرشاسپ»، به قلم آرش اکبری مفاخر.
- ب- گرشاسپ در گرشاسپ‌نامه
- 1- گرشاسپ‌نامه تصحیح حبیب یغمایی که در سال 1317 خورشیدی با مقدمه‌ای ممتع و عالمانه به جامعه ادبی ایران معرفی شد.
 - 2- دیباچه شاهنامه، اثر ژول مول که بخشی از آن یکی از نخستین پژوهشها درباره منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه به شمار می‌آید.
 - 3- مقاله جامع و عالمانه «گردشی در گرشاسپ‌نامه» به قلم جلال خالقی مطلق که در سال 1362 در سه شماره پیاپی مجله ایران‌نامه به چاپ رسیده است.
 - 4- مقاله «سطوره کهن گرشاسپ در منظومه حماسی گرشاسپ‌نامه»، به قلم مهدی قریب.
 - 5- مقاله «شخصیت گرشاسپ در روایات بازمانده و تحلیل سفر او به روم»، به قلم محمد رضا راشد محصل.